

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

امارت اسلامی افغانستان

ستره محکمه

تعلیمات نامه تحریر فیصله

رأس الورقه:

- (1) فیصله در ورقه رسمی امارت تحریر خواهد شد.
- (2) محکمه را مشخص خواهد کرد که محکمه یا دیوان از ولسوالی کدام ولایت است، ملکی است یا نظامی، ابتدئیه یا مرافعه یا تمیز است.
- (3) تاریخ صدور را در جای اش مرتب در هجری قمری (نخست تاریخ، سپس ماه، و بعداً سال) تحریر خواهد کرد.
- (4) هر صفحه فیصله را تعیین خواهد کرد و تعداد مجموعی اوراق را نیز خواهد نوشت.
- (5) شماره عمومی و خصوصی فیصله را چنین خواهد نوشت (ع ————— ١٢/٤)، همچنان عنوان فیصله که غصب است، سرقة است و غیره را نیز خواهد نوشت و هر ورق با مهر و امضاء نشانی خواهد شد.

مواد متعلق ستون تعرفه اشخاص:

- (6) ذکر کردن لفظ بالاصاله، بالوکاله، بالولایه او بالوصایه با مدعی ضروری است.
- (7) شهرت مکمله مدعی (اسم، ولد، ولدیت)، سکونت اصلی و فعلی، ولایت، ولسوالی، قریه یا ناحیه سکونت او را ذکر خواهد کرد.
- (8) قوم، کسب، تابعیت مدعی را ذکر خواهد کرد و شماره تذکره را خواهد نوشت.
- (9) ذکر کردن لفظ بالاصاله، بالوکاله، بالولایه و بالوصایه با مدعی علیه ضروری است.
- (10) تحریر کردن شهرت مکمله مدعی علیه، سکونت اصلی و فعلی، قوم، کسب، تابعیت و شماره تذکره ضروری است.
- (11) شهرت مکمله، سکونت اصلی و فعلی شهود معرفت را ذکر خواهد کرد.
- (12) اهلیت و الفاظ شهادی شهود معرفت را ذکر خواهد کرد و اسم هر شاهد را همراه با گرفتن اثر انگشت او خواهد نوشت.

مواد متعلق به ستون تعرفه اشخاص:

- (13) ذکر کردن الفاظ بالاصاله، بالوکاله، بالوصایه و بالولایه با مدعی و مدعی علیه ضروری است.
- (14) ذکر کردن شهرت مکمله، سکونت اصلی و فعلی مدعی و مدعی علیه، مثلاً ولایت، ولسوالی، قریه یا ناحیه، ضروری است یا به او با اشخاص مذکور در ستون تعرفه اشاره خواهد کرد.

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

(15) تعیین مدعی به را خواه منقول باشد یا غیر منقول بصورت شرعی انجام خواهد داد. مثلاً در صورتیکه قطعه از زمین باشد، موقعیت اش را از عامه الی خاص ذکر خواهد کرد. مثلاً بطرف غرب قریه میداد بابای ولسوالی واغز ولایت غزنی موقعیت دارد.

(16) اوصاف زمین را بیان خواهد کرد که مزروعه است یا غیر مزروعه، آبی است یا للمی (دیمه)، باغ است یا غیر.

(17) حدود اربعه و حد فاصل را به این ترتیب ذکر خواهد کرد: شرقاً، غرباً، شمالاً و جنوباً. همچنان: در دعوی قتل، موقعیت مقتل و حدود اربعه آن ذکر خواهد کرد.

(18) در صورتیکه اطراف متعلق به دیگر اشخاص باشد، درین صورت شهرت مکمله اصحاب الحدود را ذکر و ملکیت را به اصحاب الحدود منسوب خواهد کرد.

(19) در صورتیکه زمین غیرمملوکه مثلاً جاده عامه یا خاص، سرک/راه، جوی یا نهر، دریا و غیره در یکی از اطراف باشد، درین صورت تذکر دادن عام و خاص کفایت میکند. البته بهتر خواهد بود فواصل ذکر گردد.

(20) ذکر کردن سبب حکم، مثلاً شهود، اقرار و غیره.

(21) ذکر کردن خلاصه فیصله و محکوم له که فیصله به نفع چه کسی صورت گرفت.

مواد متعلق به ستون تشریحات:

(22) ذکر کردن تاریخ ورودی ضروری است، یعنی مدعی به کدام تاریخ عریضه خویش را به محکمه آورده است.

(23) نوشتن این نیز مناسب است که مدعی عریضه را مستقیماً به محکمه آورده یا اینکه توسط مرجع مربوطه ذریعه مکتوب به محکمه راجع گردیده است.

(24) محکمه خویش را مشخص ساخته وضاحت ارائه خواهد کرد، مثلاً به محکمه ابتدائیه شرعی ولسوالی فلان ولایت.

(25) شهرت مکمله مدعی و مدعی علیه بالاصاله یا بالوکاله یا بالولایه یا بالوصایه را خواهد نوشت یا اینکه خواهد نوشت که مدعی یا مدعی علیه که در ستون تعریفه اشخاص تذکر یافته است.

(26) اهلیت تامه مدعی و مدعی علیه را تحریر خواهد کرد.

(27) در صورتیکه مدعی یا مدعی علیه وکیل باشد، شماره عمومی و خصوصی وکالت خط، تاریخ ترتیب وکالت خط را ذکر خواهد کرد، محکمه ی را که وکالت خط در آن ترتیب گردیده، و نوع وکالت خط که بالاقرار است یا بالشهود، را مشخص خواهد کرد.

(28) ذکر کردن شهرت مکمله، موقعیت اصلی و فعلی، اهلیت تامه، قوم، کسب و تابعیت مؤکل یا مؤکلین ضروری است.

(29) در صورت وکالت، تعیین خصوص دعوی ضروری است.

(30) در وکالت تعیین این ضروری است که وکالت مذکور مقید است، مثلاً وکالت بالخصومت است، یا مطلق است، مثلاً درگیرنده همه امور یعنی خصومت، صلح، اقرار، و ابراء است.

(31) این وضاحت در وکالت ضروری است که وکالت منوط به همین یک محکمه است یا معلق به محاکم ثلاثه میباشد.

(32) اگر مدعی یا مدعی علیه اصیل باشد، ملکیت را به خود منسوب خواهد کرد و اگر وکیل، وصی، یا ولی باشد، نسبت را به مؤکل، موصی له یا مولی له خود منسوب خواهد کرد.

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

(33) تعیین مدعی بها، منقول باشد یا غیر منقول به طریقه شرعی، صراحتاً یا حوالتاً، مذکور با موضوع و تحدید آن ضروری است. مثلاً در صورتیکه زمین باشد، ذکر کردن موقعیت آن و ارائه این وضاحت که با لواحق یا بدون لواحق است.

(34) دعوی را مشخص خواهد کرد که دعوی ملک مطلق است یا ملک بالسبب.

(35) بعداً، محکمه چنین تحریر خواهد کرد که صورت دعوی از مدعی طلب گردید و وقت، مثلاً ۱۰ روز، داده شد.

(36) سپس خواهد نوشت که مدعی در مدت تعیین شده صورت دعوی را تسلیم نمود، صحیح بوده و مشتمل بر شرائط عامه و خاص بود.

(37) و در فیصله تحریر خواهد کرد که بعد از صحت دعوی، صورت دعوی تحریری مدعی توسط محکمه در حضور دو نفر شاهد بالای مدعی عرض گردید و مدعی صورت دعوی تحریری خویش را با گذاشتن اثر انگشت در حضور دو نفر شاهد، فلان و فلان، تصدیق کرد.

(38) بعداً، خواهد نوشت که جلبی به مدعی علیه ارسال گردید. البته، ورقه جلب باید مطابق اصول باشد که همه شرائط ورقه جلب در آن رعایت شده باشد. بعد ازین، در صورت ملک مطلق، ذوالیدی را با شهود ثابت خواهد کرد و در صورت ملک بالسبب، تصادق جانبین کافی است.

(39) بتعقیب آن، وقتیکه مدعی علیه حاضر شد، هرگاه مدعی میتوانست صورت دعوی را خودش قرائت کند، وی آنرا در مجلس قضاء در حضور خصم (مدعی علیه) بالای مدعی علیه عرض و اقامه خواهد کرد و در جاهای اشاره، به مدعی علیه و مدعی به اشاره خواهد کرد و مدعی به که ممکن الاحضار باشد در وقت عرض صورت دعوی آن در محکمه حاضر خواهد بود و به آن اشاره خواهد شد. البته، در صورتیکه مدعی نمیتوانست صورت الدعوی را بخواند، قاضی آنرا در حضور مدعی، مدعی علیه و شهود بخوانش خواهد گرفت و مدعی از آن تصدیق خواهد کرد.

(40) بعد از آن، خواهد نوشت که صورت دعوی یا خلص صورت دعوی این است و صورت دعوی یا خلاص اش را با وضاحت مدعی در فیصله ذکر خواهد کرد. در صورت خلاصه، خواهد نوشت که صورت دعوی که مشتمل به اینقدر اوراق است و هر ورق توسط محکمه مهر گردیده، ضم اوراق فیصله میباشد.

(41) و در فیصله خواهد نوشت که جواب تحریری مدعی علیه (دفع دعوی) توسط محکمه در محضر قضاء در حضور دو شاهد بالای مدعی علیه عرض گردید و مدعی علیه جواب تحریری خویش (دفع دعوی) را با گذاشتن اثر انگشت در حضور دو نفر شاهد، فلان و فلان، تصدیق کرد.

(42) سپس، مدعی بالدفع جواب خود (صورت دفع) را در مجلس قضاء در حضور خصم اقامه خواهد کرد. در جاهای اشاره، اشاره خواهد کرد. بعد از آن، خواهد نوشت که جواب (دفع دعوی) یا خلص جواب (دفع دعوی) این است و جواب (دفع دعوی) یا خلاصه را با وضاحت مدعی علیه در فیصله ذکر خواهد کرد. در صورت خلاصه، خواهد نوشت که جواب (دفع دعوی) مشتمل بر این قدر اوراق بوده و هر ورق توسط محکمه مهر گردیده، ضمیم اوراق فیصله میباشد: البته در دعاوی بسط و مستعجل، مواد (۴۲، ۵۵، ۱۳۱، ۱۳۵) اصولنامه اداری در نظر گرفته شود.

(43) بعداً خواهد نوشت که مدعی علیه به فلان تاریخ حاضر شد و دفع مدعی علیه بالای مدعی مذکور هذا در مجلس قضاء در حضور مدعی و شهود عرض گردید. سپس هرگاه دفع اش صحیح بود او آنرا ثابت ساخت، درین صورت مدعی علیه، مدعی و مدعی، مدعی علیه میشود.

(44) هرگاه دفع صحیح نه بود، محکمه دلایل عدم صحت را در فیصله خواهد نوشت.

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

(45) و هرگاه نتوانست دفع را ثابت کند و درحالیکه دفع اثباتش برای اقرار متضمن نه باشد، لهذا دعوی مدعی معاد گردیده، قاضی بینه مثبت را از مدعی برای اثبات دعوی او خواهد طلبیست.

(46) و اگر مدعی علیه به دعوی مدعی اقرار کند، صورت اقرار اش را بعینه بدون زیادت و نقصان خواهد نوشت.

(47) و در فیصله خواهد نوشت که اقرار مدعی علیه توسط محکمه در محضر قضاء در حضور دو نفر شاهد، فلان و فلان، بالای مدعی علیه عرض گردید و مدعی علیه از اقرار تحریری خود با گذاشتن اثر انگشت در حضور دو نفر شاهد، فلان و فلان، تصدیق کرد.

(48) هرگاه مدعی علیه انکار کرد، قاضی صورت انکار را بعینه خواهد نوشت. البته وی هدایت ماده (۴۱) را در نظر داشته باشد و از مدعی بینه مثبت را برای اثبات تقاضا خواهد کرد او این را خواهد نوشت که بعد از انکار مدعی علیه، شهود اثبات دعوی از مدعی خواسته شد.

(49) اگر شهود آورد، محکمه جریان آوردن شهود توسط مدعی، شهرت مکلمه، اهلیت، صفات، کسب و عمر آن را ثبت خواهد کرد.

(50) و در فیصله خواهد نوشت که بعد از اداء شهادت علی التعاقب و الانفراد، شاهدی تحریری شهود توسط محکمه در محضر قضاء در حضور دو نفر شاهد بالای هر شاهد عرض گردید و هر شاهد از شاهدی تحریری خود با گذاشتن اثر انگشت در حضور دو نفر شاهد، فلان و فلان، تصدیق کرد.

(51) الفاظ شاهدی شهود را لفظ به لفظ در فیصله خواهد نوشت.

(52) شهود باید موقعیت و حدود زمین مدعی بها را بیان نمایند، از اصحاب الحدود با شهرت مکمله یادآوری خواهند کرد و همچنان نسبت ملکیت را به اصحاب الحدود منسوب و فواصل آن را نیز ذکر کنند.

(53) محکمه خواهد نوشت که شاهدی در مجلس قضاء در حضور خصمین اداء گردید.

(54) شهود در شاهدی خود به مدعی و مدعی علیه و مدعی به (در صورت ممکن الاحضار) با این یا (هذا) اشاره خواهند کرد.

(55) و این را خواهد نوشت که آیا شهادت شهود با دعوی مدعی موافقت داشت یا خیر. و اگر نداشته، سبب عدم موافقت و رد آن را خواهد نوشت.

(56) شاهدی از لحاظ معاینه خواهد بود، نه سماع. زیرا شاهدی سماع در چند مقامات خاص مورد اعتبار است که در کتب فقهی ذکر گردیده است.

(57) بعد از شاهدی توسط هر شاهد، قاضی فرصت جرح را به مشهود علیه فراهم خواهد کرد. اگر مشهود علیه جرح مرکبه را انجام داد و به شهود ثابت ساخت، قاضی شاهدی را لغو خواهد کرد؛ البته جرح مرکبه و طریقه اثبات آن را خواهد نوشت.

(58) اگر جرح نداشت یا مجرد بود یا ثابت نه کرد، سپس قاضی تزکیه سری و علنی شهود را بعمل خواهد آورد. البته در صورت جرح مجرد، ان جرح را خواهد نوشت و دلیل مجردبودن اش را نیز بیان خواهد کرد.

(59) هرگاه تزکیه شان صورت گرفت و شاهدی شان قبول شد، سپس آن جریان را کاملاً خواهد نوشت که تزکیه سری توسط مکتوب شماره فلان و تزکیه علنی توسط مزکین فلان و فلان در مجلس قضاء در حضور شهود و طرفین صورت گرفت.

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تأیید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

- (60) سپس قاضی صاحب خواهد نوشت که بعد از ادای شاهدهی و بعد از ترکیه سری و علنی، من قاضی، فتوی ای را از مفتی صاحب خواستم. مفتی صاحب این فتوی را به این تاریخ، و به این شماره فراهم نمود.
- (61) هرگاه مدعی عجز خود را از شهود به شکل تحریری ابراز نمود، سپس قاضی به مدعی خواهد گفت: تو حق دادن سوگند به مدعی علیه را داری. سپس، قاضی بعدالمطالبه به مدعی علیه سوگند را خواهد داد. البته نوع و الفاظ سوگند را در فیصله ذکر خواهد کرد.
- (62) بعداً فتوی و دلایل مفتی صاحب را خواهد نوشت.
- (63) بعداً، قاضی صاحب نص الحکم را خواهد نوشت.

مواد متعلق به نص الحکم:

- (64) قاضی در نص الحکم اولاً شهرت مکمله خود را خواهد نوشت. بعداً، خواهد نوشت که من قاضی برحال مأذون بالحکم غیر معزول محکمه فلان از طرف امارت اسلامی استم، حکمی را قضاء بالترک یا قضاء بالالزام در مجلس قضاء و در حضور طرفین حقیقی و در فلان تاریخ و در فلان محل صادر نمودم و مدعی به، که ممکن الاحضار باشد، در وقت ابلاغ حکم در محکمه حاضر خواهد بود و به آن اشاره خواهد کرد.
- (65) قاضی صاحب الفاظ قضیت و حکمت را در فیصله تحریر خواهد کرد و هرگاه رئیس نیز همراه قاضی بود، سپس قضینا و حکمنا را خواهد نوشت و حکم را به جای الفظ حکایت و شک، به الفاظ قطعی خواهد نوشت.
- (66) در صورت وکالت، قاضی چنین خواهد نوشت: حکمی را صادر نمودم علیه مؤکل تو فلان ولد فلان ولدیت فلان یا برای مؤکل تو فلان ولد فلان و لدیت فلان در حضور تو وکیل هذا.
- (67) جزئیات فقهی یا مواد لائحه و اصولنامه را برای استیناد حکم ابراز خواهد کرد. وقتیکه فیصله نوشته شد، سپس قاضی صاحب و رئیس صاحب حکم را امضاء خواهند کرد و آن را با مهر رسمی محکمه نشانی خواهد کرد. مفتی صاحب و محرر صاحب فیصله را امضاء نخواهند کرد.

مواد متعلق به ابلاغ فیصله:

- (68) قاضی صاحب فیصله خود را در مجلس قضاء در حضور طرفین و در حضور شهود ابلاغ، ابلاغ خواهد کرد.
- (69) شهرت مکمله، اهلیت شهود ابلاغ و تاریخ ابلاغ را در ورقه مستقل ابلاغ خواهد نوشت.
- (70) بعد از ابلاغ، قاضی به جانبین خواهد گفت که آیا به فیصله قناعت دارند یا خیر. هر یکی از آنها از قناعت یا عدم قناعت خود تصدیق خواهد کرد و نشان انگشت را در فیصله نامه خواهد گذاشت. مدت مرافعه طلبی و تمیز طلبی را برای آنها واضح خواهد ساخت.
- (71) اوراق اصلی فیصله را به محکوم له خواهد داد. یک نقل را به محکوم علیه خواهد داد و یک نقل اصلی را محکمه در دفتر خود حفظ خواهد کرد.

یادداشت رفع مسئولیت: این سند بصورت غیر رسمی از یک سند رسمی ترجمه گردیده، ولی ترجمه آن به تایید یا تصدیق هیچ اداره دولتی نرسیده است. تمام تلاش ممکن برای اطمینان از دقت ترجمه بکار رفته است. اما ممکن برخی کاستی ها یا تفاوت هایی در انتخاب کلمات میان اصل سند و ترجمه آن وجود داشته باشد.

(72) طرفی که خواستار مرافعه یا تمیز باشد، مکتوبی را عنوانی مرافعه یا تمیز به او خواهد داد. موضوع را اجمالاً در مکتوب ذکر خواهد کرد. مثلاً دعوی ای بود بر سر فلان شی فی مابین فلان مدعی و فلان مدعی علیه. ما در حق فلان فیصله نمودیم. فلان جانب قناعت ندارد. لهذا دوسیه که، مثلاً دارای ۲۰ ورق میباشد، ضم این مکتوب به مقام محترم شما برای اجراءات بعدی ارسال گردید.

احکام متفرقه:

- (73) خلاصه عریضه نیز باید در فیصله تذکر یابد.
- (74) وقتیکه تحقیقات طرفین تمام شد و طرفین گفتند: چیز دیگری نداریم، سپس درین زمان آنها را تفهیم خواهد کرد که محاکمه تمام شده است.
- (75) هرگاه در یک موضوع، از اهل خبره معلومات خواسته شده باشد، قاضی آن را در فیصله خواهد نوشت.
- (76) هرگاه محاکم فوقانی فیصله را بناء بر نواقص به محاکم تحتانی راجع میکرد، همه نقائص را تک تک برای آنها مشخص خواهد کرد.
- (77) فیصله منقوضه که توسط محاکم تحتانی اصلاح شده باشد، محکمه مربوطه این را خواهد نوشت که این فیصله دومی است که بعد از نقض اصلاح گردیده.
- (78) تواریخ و شماره های فیصله اصلاح شده و فیصله منقوضه از هم جدا میباشند.
- (79) در صورتیکه محاکم فوقانی فیصله اصلاحی دومی را بعد از نقض تائید میکرد، چنین خواهد نوشت: بعد از اصلاح تائید گردید.
- (80) در صورتیکه فیصله های محاکم تحتانی توسط تمیز نقض گردیده بود، محاکم تحتانی، در صورت اصلاح، نقائص تمیز را بدون زیادت و نقصان خواهد نوشت.
- (81) وقتیکه محاکم تحتانی دوسیه را به محاکم فوقانی میفرستد، باید این دوسیه را مرتب بشکل جدول از عریضه تا پارچه ابلاغ ارسال بدارد و هر ورق باید دارای مهر محکمه و شماره باشد.